

شما و رادیو

خاطرات هنری شاهرخ نادری

تألیف: شاهرخ نادری

www.ketab.ir



سرشناسه	: نادری، شاهرخ، ۱۳۱۰ -
عنوان و نام پدیدآور	: شما و رادیو (خاطرات هنری شاهرخ نادری)
مشخصات نشر	: تهران: نامک: بدرقه جاویدان، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	: ۵۰۴ ص.: مصور، عکس.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۶۷۲۱-۵۷-۶
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیپا
یادداشت	: نمایه.
موضوع	: نادری، شاهرخ، ۱۳۱۰ - - - خاطرات
موضوع	: خاطرات ایرانی
موضوع	: رادیو -- ایران -- تولید و کارگردانی
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۴ ۳ آ ۲ ن / ۴ / ۱۹۹۴ PN
رده‌بندی دیویی	: ۷۹۱ / ۴۴۰۲۸۹۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۱۲۰۸۵۸

www.ketab.ir

دفتر فروش:

خیابان انقلاب، خیابان فروردین، کوچه نوروز، پلاک ۲۶

تلفن: ۶۶۴۱۱۵۰۸ - ۶۶۴۱۴۳۶۲

فروشگاه:

خیابان ولیعصر، نبش خیابان فاطمی، انتشارات بدرقه جاویدان

تلفن: ۸۸۹۷۵۵۸۱-۴



badraghe javdan



Badraghe javdan



شما و رادیو
(خاطرات هنری شاهرخ نادری)

مؤلف: شاهرخ نادری

مصاحبه کننده : فروغ بهمن پور
پیاده سازی از نوار کاست : زهرا علمی
مدیر تولید : مسعود عطوفت شمس
جستجو، اسکن و ترمیم تصاویر : مصطفی زکریا
نوبت چاپ و تیراژ : سوم، ۱۴۰۱ - ۵۵۰ نسخه
چاپ و صحافی : امیرکبیر
قیمت : ۲۸۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۷۲۱-۵۷-۶ ISBN: 978-600-6721-57-6

تمامی حقوق برای ناشرین محفوظ است.
تکثیر یا تولید مجدد آن کلاً و جزئاً، به هر صورت (چاپ، فتوکپی، انتشار الکترونیکی)
بدون اجازه کتبی ناشر ممنوع است.

نشر نامک: ۶۶۴۱۷۶۳۶

نشر بدرقه جاویدان: ۴-۸۸۹۷۵۵۸۱

فهرست مطالب



۷	پیش‌گفتار
۹	مقدمه
۱۱	بخش اول دوران کودکی
۴۳	بخش دوم ورود به رادیو
۳۰۷	بخش سوم رادیو دریا
۳۴۳	بخش چهارم شروع کار رادیو تعطیلی
۳۵۷	بخش پنجم شروع دوران بعد از انقلاب
۳۷۵	بخش ششم در سوگ و سرور هنرمندان
۴۶۵	آلبوم تصاویر
۴۸۹	نمایه

پیش‌گفتار



به نام خدا

شاهرخ نادری یار دبستانی و ۶۰ ساله و به قول معروف رفیق گرمابه و گلستان من است و باید درباره‌ی او چیزی بنویسم و حرفی بزنم. قلم در دست دوست است و لاجرم باید خوبیها و امتیازات او را یادآوری کنم. از به به و چه چه و بارک‌الله می‌گذرم، به دنبال عیب‌جویی و اشتباه‌کاری هم نیستم. این وصله‌ها اگر چسبیدنی باشد دامن خودش را گرفته است و نتوانسته آنطور که باید و شاید خودش را نشان بدهد.

طبیعی است همه ما عیوبی داریم که خودمان نمی‌دانیم و اگر هم می‌دانیم به روی خودمان نمی‌آوریم، فرصت اصلاح هم پیدا نکرده‌ایم و به هر حال به نحوی قضیه را به راه باد نهاده‌ایم. رفیق عزیز ما هم آدمی است که در مفروضات اشتباه می‌کند چون فعال است و پرحرکت و کوشا. در این میان ممکن است زیاد و کم هم بکشد و به قول خودش آدم وقتی دیکته می‌نویسد، غلط هم می‌کند، اما اگر مرا قبول دارید در ترازوی وجدان سنگینی با خیرخواهی اوست و از دل و جان در این معامله سرمایه‌گذاری کرده است. آدمی که تمام وقتش را برای دوستان می‌گذارد و یک‌تنه به همه آنها می‌رسد و در زنده بودن و نبودن آنها شریک و سهیم است، نمی‌تواند آدم بدی باشد.

کاش قلم دشمن هم تراوشی می‌کرد و ما یک‌تنه به قاضی نمی‌رفتیم. تذکر و راهنمایی آدمی را هوشیار می‌کند و می‌تواند در کمک و یاری دوستان کارسازتر باشد. حیف است شاهرخ با از خودگذشتگی و ارتباط جمعی و فعالیتی که دارد کم‌وکاستی داشته باشد.

ما دوست هستیم و خودمان را درست در اختیار این رفیق شفیق گذاشته‌ایم و جز خوبی نمی‌بینیم، آدم‌های تنهایی هستیم که به لطف و محبت او جمع شده‌ایم که جولان بدهد و دلگرمی داشته باشد. عشقی تمام‌نشدنی دارد و خدمت درست خمیرمایه زندگی اوست.

جمع کردن جماعت هنرمند و گوش دادن به دردهای تمام‌نشدنی آنها و تشویق و ترغیب آنها در ارتباط جمعی و فرار از تنهایی فقط و فقط کار شاهرخ است و بس. خیال می‌کنم همین یک حرکت دلپذیر و انسانی می‌تواند شاهرخ را جلوه ویژه دهد. حق همین است و سالها این حقیقت را در چنته دارد. صبوری و تحمل و گوش شنوا در این جمع تنها مشکل حکایتی است اما شاهرخ به ملک دوستی داستان شیرینی ساخته که همه جاگیر شده است.

دوستان سرمایه‌دار و خیراندیش دست‌به‌جیب هم داریم که در این موارد دردها را دوا کرده‌اند، وسیله این کرامت و بزرگواری شاهرخ بوده که در این موارد قدمهای جسارت‌آمیز و محکمی برداشته و با همه بی‌نیازی و استغنائی طبع به خاطر آنهایی که پرو بال پرواز ندارند و دستشان کوتاه است و خرمایشان بر نخیل، دست طلب دراز می‌کند و تا حصول نتیجه از پای نمی‌نشیند.

بر پایه این دادوستدها صندوقی برای رفقا ساخته و پرداخته که در روز مبادا کارگشایی کند. این ناگفتنی‌ها را در پرده ابهام می‌گویم و امیدوارم حسن نیت و عشق و علاقه رفیق ما را نسبت به دوستان بدانید و بپذیرید. سخن کوتاه که نوشته‌ها و خاطرات او گنجینه‌ای است گرانبها و تجدید خاطراتی است که فراموش نخواهد شد. شاهرخ از موفقترین مدیران رادیو بوده است. برنامه روز جمعه و اداره رادیو دریا نمونه‌هایی است از قدرت و پشتکار او که موفقیت‌آمیز بوده است. امید که گوشه‌های از یادرفته گذشته رادیو در این کتاب خواندنی به گوش و چشم و هوش صاحب‌دلان برسد و توفیق حاصل کند.

ناصر ملک‌مطیعی

تیرماه ۸۶

مقدمه *



یا علی - من همه کارهایم را با یا علی شروع می‌کنم و امروز که روز جمعه دهم مرداد سال هزار و سیصد و هشتاد و دو است شاید حدود پنج سال ناشر کتاب، دنبال این بود که من قبل از مرگم یادداشت‌هایی از خودم به جای بگذارم و بالاخره من هم راضی شدم؛ به این دلیل که بعد از رفتن ما مردم بدانند که بودیم و کجا به دنیا آمدیم و کجا به خاک سپرده شدیم و درکاری که به ما ارتباط داشت چه کردیم.

من مقدماً باید عرض کنم که همه حرفهای من اساس جمله‌ای خواهد بود که بارها و بارها در زندگی خود گفتم. این جمله از مرحوم عبدالعلی وزیری است که در سال هزار و سیصد و پنجاه در چهارم اردیبهشت که سالروز تأسیس رادیو، استودیو شماره ۸ رادیوی ایران بود، گفت. من در این سی سال، بعد از هزار و سیصد و پنجاه همیشه این جمله را مدنظر داشتم و گفتم و می‌گویم و خواهم گفت: «حق شناسی ایجاد خدمتگزار می‌کند.»

من به عنوان یک حق شناس که دین خود را ادا می‌کنم، به کسانی که به من محبت کردند، راه را به من نشان دادند، صداقت و درستی را به من نشان دادند، کار به من یاد دادند و من را به یک شهرتی در حد معمول رساندند، همیشه مدیون و حق شناسم و بیش از همه خود را مدیون نصرت‌الله معینیان می‌دانم که اگر در هنر این مملکت به شهرتی رسیده‌ام مرهون زحمات او است، یادش گرمی باد. دیگران هم عبرت بگیرند که صداقت، درستی، پشتکار و وطن پرستی چه سجایای اخلاقی به دنبال دارد که آقای معینیان این سجایا را به من و همه همکارانم منتقل کردند.

امروز که دهم مرداد ۱۳۸۲ است درست شب وفات حضرت فاطمه (س) است و مقدمه کتاب در چنین شبی به زبان آورده می‌شود و یادداشت می‌شود، به فال نیک می‌گیرم. عازم سفر شمال بودیم، متأسفانه ازدیاد جمعیت به حدی بود که در روستای زیبای مبارک‌آباد به قول قدیمی‌ها اتراق کردیم و

* تمام مطالب کتاب بیانات شفاهی آقای نادری است که به تفاریق طی چند سال روی نوار ضبط شده و پس از پیاده کردن و مرتب کردن آن، به شکل کنونی درآمده است. (ناشر)

این قدر این فضا برای من قشنگ بود که همان‌جا مقدمه کتاب را گفتم هر چند که در حد و اندازه من نیست که راجع به مقدمه حرف بزنم. اما اینکه گفتم و اسم آوردم به این دلیل بود که ایشان به ما یاد داد که همیشه ببخشید، خیر کنید و راه درست بروید. من از ناشر درخواست کرده‌ام که درآمد حاصل از این کتاب را صرف امور خیریه کند. من از این کتاب نه بهره‌ای خواهم برد و نه دیناری خواهم گرفت. اگر خدا خواست و مردم استقبال کردند و این کتاب شکلی گرفت و رونقی داشت من به آرزویم رسیده‌ام. اگر کاری انجام داده‌ام و تجربه و خاطرات سال‌ها فعالیت در رادیو را در این کتاب بیان کرده‌ام همه از همراهی همراه همیشگی، همسرم خانم نصرت عبدلی یزدی است که با فراهم کردن آسایش من و فرزندانم، نگرانی و دغدغه‌های زندگی روزمره را خود تحمل می‌کرد تا من بتوانم فارغ‌البال فقط به کار هنری‌ام بپردازم.

دست نیاز برای خودم دراز نکردم ولی برای دیگران بسیار دستم دراز بوده، انصافاً هم همیشه پشت گرم بودند و ممنونم از کسانی که در این پنجاه سال همیشه با من بودند. این مقدمه را از این جهت می‌گویم که شاید دیگران هم عبرتی بگیرند و بدانند دنیا، مال دنیا است و مال دنیا، مال دنیاست و من از دنیا چیزی که می‌برم - اگر ببرم - نام نیک خواهد بود که خداوند این توفیق را به من داده که هنوز به آلودگی دامن نزده‌ام و هنوز نمی‌توانم خودم را مقصّر بدانم. ان‌شاءالله این مقدمه به همین صورت بماند و با اصلاحاتی که انجام می‌شود یادگاری باشد از من. اگر چیزی بماند همین کارها خواهد بود. امیدوارم این کتاب مورد استقبال مردم قرار گیرد و مردم یک مقدار با حرفهایی که از ما سراغ دارند بیشتر آشنا شوند.

ضمناً این توضیح را بدهم که همیشه مسائل پشت پرده زیباتر و قشنگ‌تر از مسائلی است که مطرح می‌شود. کار، کار رادیویی است. چون اتفاقاتی که در این پنجاه سال - ۲۵ سال در رادیو و ۲۵ سال خارج از رادیو - افتاده، مردم علاقمندند آن اتفاقات را بدانند و من سعی می‌کنم که آنها را بازگو کنم. چون بارها و بارها به عناوین مختلف و در گوشه و کنار از من سؤالاتی این‌گونه پرسیده شده است.

این جمله از مخبر السلطنه هدایت است که می‌گوید: «اگر راست بگویم گروهی بدشان می‌آید، اگر دروغ بگویم خودم از خودم بدم می‌آید.» و من سوگند می‌خورم که راست بگویم چون خواهی نخواهی بد کسی را نخواهم گفت. همه خوب هستند مگر عکسش ثابت شود. به هر حال این مقدمه از آن جهت گفته شد که خواننده‌ای که این کتاب را دنبال می‌کند بداند اگر خدای ناکرده به اشتباهی برخورد این اشتباه من بوده، دیگران هرگز اشتباه نکرده‌اند. به هر حال خوشحال و خوب باشید و همیشه من این توصیه را می‌کنم که با کتاب دوست باشید. هر کتاب ارزش یک‌بار خواندن را دارد. چون هر چیز که می‌شنوید خبر است، هر چه را که می‌خوانید تاریخ است.